

ناصر و ثوقی

## توزیع درآمد در انگلستان

« درجائی که مهیب ترین خطرات یعنی شمشیر فقر بالای سر هر کس آویخته شده و حفظ و حراست افراد از اعمال زور و شدت فقط نتیجه اتفاقی وجود قدرت»  
« پلیسی است که وظیفه اصلی اش اجبار بینوایان بتماشای مرك كودكان خود در»  
« اثر گرسنگی است و میتوان با پولی که برای اشباع سبکهای محبوب صرف میشود»  
« آنانرا سیر کرد ادعای اساسی تمدن بشری یعنی امنیت نمیتواند وجود داشته باشد»  
« جرج برناردشا »

« تمام حقایق در تمام چیزها نهفته است » والت ویتن

« نیروی عادت ملیونها و دهها میلیون مردم نیروی مهیبی است لنین »

انتخاب کنندگان انگلیسی در ژوئیه ۱۹۴۵ يك اکثریت کارگری روانه مجلس نمودند و حزبی که دارای برنامه سوسیال دمکرات بود دوباره بقدرت رسید حزب کارگران انگلیس قبل از ۱۹۱۴ دسته اصلاح طلبی بود که از لیبرالها منشعب گردید و پس از ۱۹۱۸ جناح مخالف مجلس عوام را تشکیل داد.

سیاست انگلیس تا زمان روی کار آمدن حزب کارگران عبارت از کشمکش و تصادمی بود بین دو حزب بزرگ لیبرال و محافظه کار.

بعقیده هر دو حزب دولت برانجام هر کاری مختار و قادر است مگر رهبری اداره امورات اقتصادی مملکت تئوری حزبی محافظه کاران و لیبرالها تولید و تجارت را در دست افراد و امیکتارد و آنچه دولتهای محافظه کار یا لیبرال انجام میدهند کمتر ارتباطی با اقتصاد با تولید میتواند داشته باشد.

محافظه کاران و لیبرالها اختلاف زیادی دارند اما هر دو دسته در این فرضیه که سیستم سرمایه داری از مالکیت عمومی و وسائل تولید و اقتصاد طبق نقشه کافی تر و مطلوب تر است ثابت مانده اند.

در تمام دوران جنگ کابینه محافظه کار در حالی که از پشتیبانی کارگران نیز برخوردار بود زمام امور را در دست داشت اما با پایان جنگ اروپا اکثریت مجلس عوام در اختیار حزب کارگران قرار گرفت و محافظه کاران زمامداری را زمین گذاردند تشکیل حکومت کارگری با همان وسائل و آلات و ابزاری صورت گرفت که محافظه کاران بکار برده بودند و برنامه دولت کارگری نیز بهمان ترتیب و با اتغاذ همان



وسائلی اجرا شد که کابینه محافظه کار نقشه های خود را اجرا مینمود و شاید این از مختصات جامعه انگلیس باشد.

فرمولهای انقلاب کلاسیک که محصول شرایط قرن نوزدهم و انقلاب صنعتی است در قرن بیستم فقط جنبه تاریخی دارد شرایط اوایل قرن هیجده و قرن نوزدهم منتفی شده است. صنعت جدید و حتی راه یافتن تکنیک و صنعت در کشاورزی جامعه را آنطور که مارکسیزم پیش بینی کرده بود «پرونتریزه» نمود همراه با مالکیت و وسائل تولید ثروت و غنادریک قطب منمرکز نگردید و توأم با ازدست دادن وسائل تولید فقر و محرومیت در قطب مخالف موضع نگرفت نتیجتاً فرمول مارکسیستی انقلاب توسط پرولتاریا نیز که محصول این پیش بینی بود دیگر نمیتوانست تحقق یابد کشور های صنعتی پیش افتاده مانند انگلیس و آلمان که قرار بود صحنه بروز و پیروزی انقلاب پرولتری شوند از انقلاب برکنار ماندند و تحول تدریجی خود را بطرف سوسیالیزم در شرایط تاریخی و محلی خود کم و بیش تند تر یا کندتر ادامه دادند. در این کشورها و در نقاط دیگر جهان تقسیم مطلق اجتماع سرمایه داری بدو صف محروم کننده و محروم صورت نگرفت و در عین حال با گذشت زمان و توسعه صنایع محرومیت حاد کشاورزان و کارگران بتدریج و بطور کند و آرام رو بکاستن گذارد و اوضاع و احوالی که پدید آمد با آنچه در بدو انقلاب صنعتی و شرایط اوایل قرون ۱۸ و ۱۹ قابل حساب و پیش بینی بود امتیاز داشت. از طرف دیگر تمرکز میلیتاریسم در دست دولت فرمول انقلاب را بکلی دگرگون و غیر ممکن گردانید. رشته حوادثی در ۱۹۱۷ بوقوع پیوست که عنوان انقلاب سوسیالیستی گرفت.

انقلاب سوسیالیستی که قرار بود در کشور های صنعتی پیش افتاده صورت گیرد تغییر مکان داده بود و در یک کشور کشاورزی عقب افتاده بوقوع پیوست محتویات انقلاب، شعارهای آن، برنامه ای که اجرا گردید و محصولی که از انقلاب بوجود آمد با معنوی یک انقلاب سوسیالیستی که پرولتاریا بمعنی دقیق مارکسیستی عامل آن باشد و با برنامه یک پرولتاریای پیروز که باید صرف اشاعه و استقرار اصول سوسیالیسم گردد و به ایجاد و توسعه صنایع نپردازد و بالاخره با محصول یک انقلاب سوسیالیستی امتیاز و فاصله بین و محسوس داشت.

بنا بر این اتیکت انقلاب سوسیالیستی که بر آن حوادث چسبانند بر دوام نبود و فرمول انقلاب کلاسیک مارکسیستی با تغییر اوضاع و احوالی که موجد مارکسیزم بود دیگر کون گردید و فقط ارزش تاریخی پیدا کرد. حزب کارگرا انگلیس نیز معتقد با انقلاب و تحولات انقلابی خصوصاً مارکسیستی نیست و با اینکه در عرض ۴۰ سال پس از تاسیس خود عالیترین موضع سیاست بریتانیا را اشغال کرده هیچ عمل حاد انقلابی انجام نداد.



حزب کارگر در جهت مخالف محافظ کاران کوشش نمود تا بتدریج و آرام آرام جامعه انگلیس را بر مبنای جدیدی بنا نماید و اداره قسمت اعظم اقتصاد انگلیس را از افراد بدولت منتقل سازد. جهت امور اقتصادی و اجتماعی انگلیس با تشکیل کابینه کارگری دگرگون شد و گرچه در مراحل اولیه زمامداری تغییر بزرگ و موثری بوجود نیامد اما يك انحراف و جدائی اساسی از روش ها و الگوهای اقتصاد کهنه محسوس بود.

حزب کارگر يك حزب انقلابی نبود که با وسائل انقلابی روی کار آمده باشد انتخابات پارلمانی اکثریتی از نمایندگان حزب را بمجلس فرستاد و حزب نیز میخواست با همین وسیله برنامه خود را اجرا کند. شرایط اجتماعی يك روش احتیاط آمیز و مداوم کار بر طبق نقشه را ایجاب مینمود و وسائلی که در اختیار کابینه قرار داشت جز آنچه انجام گردید ظرفیت برد و تاثیر بیشتری نداشت. هر این شرایط حزب کارگر اقتصاد را بعنوان يك واحد اساسی تابع رهبری و کنترل دولت گردانید و تحول بطرف سوسیالیسم را آگاهانه و آرام آرام شروع کرد. هنگامیکه ارزشها و معیارهای قدیمی و تاریخی وزن و اعتبار خود را از دست میدهند و مذاهب جای خود را با پدیده نو از پهای تازه بسیارند هنگامی که علیرغم وجود ماشین و ظرفیت تولیدی غیر قابل پیش بینی آن نمیتوان برای ملیونها بشر غذای کافی و لباس و پناهگاه تهیه نمود بطور قطع در يك دوران بحرانی و انقلابی زندگی میکنیم و اجبارا در جهتی که منجر به بر آورده شدن نیاز مندیها میگردد رانده خواهیم شد. اما چگونه و با چه سرعتی! پاسخی که حزب کارگر میخواهد عملا باین مسئله بدهد تحول تدریجی ولی مطمئن است که بر اساسی استوار قرار گرفته باشد. سرمایه داری نیز که خود در روزهای اولیه پیدایش يك قدرت انقلابی بود فقط پس از مبارزه طولانی علیه قدرتهای محدود کننده و محافظه کار قرون وسطائی تکامل پیدا کرد.

رسالتی که حزب کارگر برای خود قائل میگردد بسد اجرای يك برنامه سوسیالیستی بود که با وسائل دمکراتیک در شرایط انگلستان عملی گردد. سرعت ضرورت ندارد. باعمال زور و شدت نیازی نیست. فقط بساید پی گذاری کرد و آرام بطرف هدف پیش رفت. هر گاه حزب کارگر موفق میشد که اقتصاد انگلیس را بر مبنای جدیدی استوار نماید اولین حزب سوسیالیست میبود که انتقال بسوسیالیسم را با وسائل تکاملی و مسالمت آمیز در يك کشور صنعتی بزرگ اجرا مینمود. گواينکه هیچ حزب سوسیالیستی هم حتی با وسائل انقلابی سوسیالیسم را در يك کشور بطور کامل مستقر نساخته است.

برنامه اقتصادی حزب کارگر با اقتصاد طبق نقشه که در اروپای بعد از جنگ رایج بود و از مارکسیزم الهام میگرفت متفاوت است. کابینه کارگری میخواست اولاً کنترل خود را روی صادرات و واردات انگلیس استوار بسازد و ثانیاً صنایع اساسی و پاره امور و خدمات اجتماعی را از مالکیت خصوصی افراد خارج ساخته



وزیر سلطه دولت در آورد. اما در عین حال کابینه کارگری هرگز سلب مالکیت یا مصادره اموال خصوصی را تصویب نمی نمود و قیمت منصفانه اموال و موسسات را میپرداخت.

بیشرفت آهسته و مداوم بطرف اجتماع سوسیالیستی باین نحو میخواست جامه عمل بپوشد. با تمرکز عوامل مهم اقتصادی در دست دولت تولید و توزیع ضروریات اولیه صورت تازه ای بخود میگرفت و با اتخاذ وسائل جدیدی که حزب کارگر ابتکار مینمود فواصل طبقاتی کاسته میشد، ثروت تعدیل میگردد فقر و محرومیت رو بکاهش میگذازد در آمد افراد متعادل میشد و خصوصاً فرصتهایی که با افراد در قلمرو تعلیم و تربیت داده میشد زیاده تر در جهت یکسان شدن میگردید. این سوسیالیسم حزب کارگر بود که در داخل جزیره و صرف نظر از دنیای خارج اعم از آنچه مربوط بجزیره میشد یا آنها که ارتباطی یا جزیره نداشت برای فراهم آوردنش تلاش میکردند اینک به مطالعه یک قسمت از فعالیت های کابینه کارگری میپردازیم و آثار و نتایج آنرا در مورد در آمد افراد بطور کلی میسنجیم:

در سال ۱۹۳۶ دارائی تقریباً سه چهارم مردم بالغ انگلیس زیاده تر از یکصد پوند نبود. پنج صدم مردم بین سه چهارم و چهار پنجم تمام اموال خصوصی را در اختیار داشتند و زائده بر نیمی از اموال ملت یعنی پنجاه و پنج صدم ثروت عمومی به یک صدم جمعیت بریتانیا متعلق بود. ارقام ثروت که پس از جنگ اخیر بارت منتقل شده است از دیاد نسبتاً قابل ملاحظه تعداد اشخاصی را که رقم دارائی شان زیر عدد ۱۰/۰۰۰ لیره قرار میگیرد نسبت بکسانی که مافوق آن هستند آشکار میسازد. بر آورد تازه ای از ثروت ساکنین جزایر بریتانیا محرز میدارد که میزان مجموع اموال یک صدم مردم در سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ معادل پنجاه درصد تنزل یافته است. میزان ثروت طبقه ممتاز از روی جدول زیر نمودار میشود و در عین حال کاهش آن نیز نشان داده شده است:

در سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ یک درصد جمعیت بریتانیا ۰/۶۵ تمام ثروت خصوصی را مالک بودند

<	<	۱۹۲۶ تا ۲۸	<	<	۰/۵۷	<	<
<	<	۳۶ تا ۳۸	<	<	۰/۵۵	<	<
<	<	۴۶ تا ۴۷	<	<	۰/۵۰	<	<

چنانچه از روی این ارقام قضاوت کنیم تاثیر مالیات بر ارث در کاستن از عدم مساوات و اختلاف ثروت کمتر از آن بنظر میآید که گاهی ادعا میکنند ولی چنانچه مشهود است در سالهای اول زمامداری حزب کارگر معادل پنج در صد از ثروت طبقه ممتاز کاسته شده است در حالیکه از ۱۹۱۱ تا ۱۹۳۸ فقط ده در صد از میزان ثروت مذکور تقلیل یافته. کاهش مذکور را گرچه قابل ملاحظه بنظر میرسد نمیتوان بعنوان اساس و معیار در جهت حصول مساوات و کسر و تقلیل



مالکیت خصوصی دانست .

در مورد توزیع درآمد اطلاعات ما بیشتر و بهتر است . جدولهای زیر تغییراتی که در این زمینه در یازده سال بین ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۸ حادث گردیده روشن می نماید .

پورسانتاز بخش درآمد ملی بین انواع مختلف درآمد :

پس از وضع مالیات مستقیم		قبل از وضع مالیات مستقیم		
۱۹۴۸	۱۹۳۸	۱۹۴۸	۱۹۳۸	
۴۸	۳۹	۴۴	۳۷	دستمزدها
۲۱	۲۵	۲۱	۲۴	حقوقها
۳	۲	۳	۲	حقوق نیروهای مسلح
۲۸	۳۴	۳۲	۳۷	سود تجار تی-ربح-درآمد مشاغل آزاد و کرایه
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

قدرت خرید درآمدها پس از کسر مالیات مستقیم و تعدیل باقیمت اجناس  
(۱۰۰ = ۱۹۳۸)

۱۹۴۹	۱۹۴۸	۱۹۴۷	۱۹۴۶	۱۹۳۸	
۱۲۵	۱۲۲	۱۱۶	۱۰۸	۱۰۰	دستمزدها
۹۸	۹۷	۹۲	۸۸	۱۰۰	حقوقها
۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	سود تجار تی-ربح و کرایه شامل درآمد مشاغل آزاد و درآمد دهقانان
۶۳	۶۵	۷۲	۷۲	۷۲	سود توزیع شده شرکتها که در رقم قبلی آورده شد

بموجب این ارقام بین سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۴۸ تغییر و ( تحول ) قابل ملاحظه در نسبت بین درآمدهای عمومی رخ داده است .

از توجه به جدول اول معلوم میشود پس از وضع مالیات مستقیم پورسانتاز حقوقها تقریباً دست نیافتنی و دولتی سهمی که به دستمزدها تعلق میگیرد ۹ درصدی از دبا د پیدا میکند . سود تجار تی، ربح درآمدهای مشاغل آزاد و کرایه نیز ۶ درصد تنزل یافته است . این تغییر و تحول در توزیع درآمد بین دسته های مختلف يك اجتماع در مدتی بسیار کوتاه و با وسائلی مسالمت جو یانه بسیار جالب است لیکن ایرادی که بر آن وارد میگردد اینست که با افزایش مالیات غیر مستقیم که بطور عمده و کلی شامل دستمزدها میگردد توجهی ندارد . مالیات غیر مستقیم پس از کسر مدد معاش موجود در مورد مصارف مصرف کنندگان از رقم ۵۸۱ میلیون لیره استرلینگ در



سال ۱۹۳۸ به ۱۵۰۶ میلیون لیره در سال ۱۹۴۸ بالغ گردیده است. ایراد مذکور متوجه جدول دوم که از نقطه نظر دیگری مسئله توزیع درآمد ملی و تغییرات آنرا توضیح میدهد نیست چه تاثیر مالیات های غیر مستقیم در قیمت ها منظور گردیده است.

بموجب ارقام این جدول قدرت خرید دستمزد ها معادل ۲۲ درصد در سالهای مورد بحث افزایش یافته است در حالی که قدرت خرید سود های تجار تی و درآمد های همردیف آن هر حدود ۲۳ درصد تقلیل پیدا میکند. و چنانچه درآمد دهقانان ربح و درآمد شغل های آزاد و کرایه را مستثنی بداریم و به سود خالص شرکتها توجه گردد سقوط قدرت خرید زیادتر محسوس است: معادل ۳۵ درصد. تحول مورد بحث در سال ۱۹۴۹ نیز ادامه پیدا کرد. در آن سال قدرت خرید دستمزدها در مقام مقایسه با سودها صدی بیست و پنج بالا آمد و قدرت خرید سود توزیع شده شرکتها صدی سی و هفت تنزل یافت.

این تحول بسیار جالب و اساسی تنها با داشتن يك سازمان اداری منظم و وضع و اجرای قوانین صحیح و عادلانه مالیاتها حادث گردیده است و چنانچه قبلا توضیح داده شد برای حصول آن هیچ نوع اقدام حاد انقلابی یا مصادره اموال و سلب مالکیت معمول نگردیده.

توزیع درآمد ها از لحاظ حجم مسئله جداگانه است. این جدولها مسئله مذکور را تا اندازه روشن مینمایند.

درآمد های شخصی در ردیف های مختلف:

۱۹۴۸		۱۹۳۸		تعداد درآمد به هزار	ردیف درآمد قبل از (وضع) مالیات
میان متوسط درآمد بردیف	تعداد درآمد به هزار	میزان متوسط درآمد بردیف	تعداد درآمد به هزار		
قبل از مالیات به لیره	بعد از مالیات به لیره	قبل از مالیات به لیره	بعد از مالیات به لیره		
۳۲۰	۳۳۹	۳۳۱	۳۴۰	۲۰۰۰	۲۵۰ تا ۴۹۹ لیره
۵۶۵	۶۶۲	۶۱۹	۶۷۹	۶۷۰	> ۹۹۹ تا ۵۰۰
۹۹۶	۱۳۳۹	۱۱۵۶	۱۳۵۷	۲۲۴	> ۹۹۹۹ تا ۱۰۰۰
۱۹۸۶	۳۴۸۰	۲۶۰۲	۳۶۷۳	۹۸	> ۲۹۹۹ تا ۲۰۰۰
۴۲۷۳	۱۷۷۲۷	۹۵۰۰	۲۱۸۷۵	۸	> ۱۰۰۰۰ لیره بیلا



طبقه بندی درآمد های خالص شخصی  
پس از پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات اضافی

شماره درآمدها در هر ردیف			ردیف درآمد پس از (وضع) مالیات
۱۹۴۸-۱۹۴۷	۱۹۴۶-۱۹۴۵	۱۹۳۹-۱۹۳۸	
۲۰۳۰۰۰۰	-	-	۱۲۰ تا ۱۵۰ لیره
۸۰۴۷۰۰۰۰	۷۹۵۰۰۰۰۰	۴۰۵۰۰۰۰۰۰	> ۲۳۰ تا ۱۵۰
۸۰۷۴۰۰۰۰۰	۵۰۲۲۵۰۰۰۰	۱۰۸۲۰۰۰۰۰۰	> ۵۰۰ تا ۲۵۰
۱۰۳۷۸۰۰۰۰	۶۵۲۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰	> ۱۰۰۰ تا ۵۰۰
۳۲۰۰۰۰۰	۱۳۷۵۰۰۰	۱۵۵۰۰۰۰	> ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰
۵۸۵۰۰	۳۴۰۶۱۵	۵۶۰۰۰۰	> ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰
۳۰۴۳۰	۸۴۰	۱۲۰۰۰۰	> ۶۰۰۰ تا ۴۰۰۰
۷۰	۴۵	۷۰۰۰۰	> بالاتر از ۶۰۰۰
۲۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰۰۰۰	۷۱۰۰۰۰۰۰۰	جمع

پرمعنا ترین تغییراتی که از جدول اولی استنباط میشود دو تغییر ذی‌بهر است .  
 ۱ - سقوط عظیمی که پس از وضع مالیات در درآمد ردیف بین دو هزار و ۹۹۹۹ لیره (مشهود) گردیده است  
 میزان متوسط درآمد پس از وضع مالیات در ۱۹۳۸ که بالغ بر ۲۶۰۲ لیره بود است در ۱۹۴۸ به ۱۹۸۶ لیره تنزل پیدا میکند درآمد متوسطی معادل ۹۵۰۰ لیره در ۱۹۳۸ به ۴۲۷۳ لیره در ۱۹۴۸ بدل میگردد .  
 اکنون میست مینویسد علی‌رغم ازدیاد تعداد اشخاصی که مالیات اضافی می‌پردازند سهم آنها در دوره مورد بحث از صدی ۸ در ۱۹۳۸ به صدی ۴ در ۱۹۴۷ تنزل و سقوط یافته است .  
 ۲ - تغییر دوم نتیجه تغییر اول است . پس از وضع مالیات‌های مورد بحث فاصله و گودال بزرگ بین کمترین درآمد و زیادترین درآمد بی‌بازمان فوق‌العاده کاهش یافته و پر شده است .  
 گودال مذکور در سال ۱۹۲۷ و ۴۸ (یعنی ارقام ۴۲۷۳ و ۳۲۰) که بزرگترین درآمد زائد بر سیزده برابر کوچکترین درآمد میباشد البته جزئی و بی‌اهمیت نیست ولی باید در نظر داشت که این اختلاف کمتر از نیمی از اختلاف موجود در سال ۱۹۳۸ است . (بین ارقام ۹۵۰۰ و ۳۳۱ لیره)  
 جالب است که این وضع و این ارقام را با وضعی که آقای ت . ویلسون در صفحه ۱۱۳ کتاب خودش از شوروی ۱۹۴۰ توضیح و تفسیر میکند مقایسه نمود . ویلسون مینویسد در روسیه ۱۹۴۰ یک مرد شاغل که درآمدی زیادتر از ۳۰۰۰۰۰ روبل داشته باشد معادل یکصد هزار روبل مالیات می‌پردازد و درآمد متوسطی برای او باقی میماند که ۵۰ برابر درآمد متوسط انسان در شوروی است . فاصله ۱۳ را با ۵۰ باید در نظر گرفت !



و اما جدول دوم: ارقام این جدول نشان میدهند که ۰۰۰ ر ۱۹ در آمد ۰۰۰ ۴ لیره یا زیادتر که در سال ۱۹۳۸ و ۳۹ موجود بوده است در سال ۱۹۴۷ و ۴۸ به ۳۵۰۰۰ تقلیل مییابد. از کله بزرگ هفت هزار نفری غولان سابق که زآمد بر - ۶۰۰۰ لیره در آمد داشتند در تاریخ ثانوی فقط ۷۰ نفر باقی مانده اند و اینها نیز که در آزمایشگاهها و موزه های انسان شناسی بخش شده اند چندان قلیل هستند که در هر گوشه بیش از یک نفر از آنان پیدا نمیشود و باز هم تحلیل خواهند رفت.

در مطالعه این ارقام ضمنا باید بخاطر آورد که آنها فصلی از داستان را نیز بیان نمیکند. ممکن است تنزل در آمد قابل خرج سرمایه داران و سهامداران را با تزايد موجودی شرکت هائی که در آمد از آنان اخذ می کرد همراه و توأم دانست.

از آن مهمتر این که از دیاد سرمایه شرکتها نیز بصورت اضافی و تغییر و تبدیل آن به ثروت های بزرگ در حالی که در آمدها بشدت مالیات بندی شده است و طریق دیگر احتکار از بین رفته قسمتی از داستان بیان نشده است. در هر حال از دیاد این سرمایه ها نیز با این که تعجب آور است کمتر شده و نگاهی بجدول های بالا نشان میدهد که مالیات های سنگین تر و صمودی تر امکان دوام آنها را دشوار ساخته است.

در آمد متوسط دسته ۲۵۰ تا ۴۹۹ لیره در نتیجه وضع مالیات صدی ۲۶ در ۱۹۳۸ و صدی ۵۶ در ۱۹۴۸ در ۱۹۴۸ تقلیل پیدا کرد. در آمد دسته ۵۰۰ تا ۹۹۹ لیره نیز در اثر مالیات صدی ۸۸ سال ۱۹۳۸ و صدی ۶۶ در ۱۹۴۸ سقوط نمود. اما تقلیل و سقوط مشابه در درآمدهای متوسط دسته های ۲۰۰ تا ۴۹۹ لیره و بالاتر از ۱۰۰۰۰ لیره در اثر وضع مالیاتهای صدی ۲۹، صدی ۴۲ و صدی ۵۶ در ۵۶ و صدی ۷۵ در ۷۵ بهیچ وجه قابل قیاس با درآمدهای کوچکتر نیست.

اینک توجهی هم به مصارف و هزینه های عمومی و خدمات و امور عام المنفعه انگلستان و ویلز بنمائیم جدول زیر هزینه خدمات عمومی و امور عام المنفعه انگلستان و ویلز را پس از وضع کرایه و هزینه بیمه کارگران در فواصل دهساله میسیم می سازد: سال در این جدول از اول آوریل تا ۳۱ مارس است:

بعلمت اشکال فنی جدول در صفحه بعد چاپ میشود.

بهداشت عمومی شامل هزینه بیمارستان و معالجه امراض و پرستاری مادران و نوزادان میگردد و باز نشستگی اهدائی یا ارفاقی شامل حال بیوه زنان و یتیمان و افرادی است که نمیتوانند کار کنند.

جدول بالا که تحول و از دیاد هزینه امور و خدمات عمومی و اجتماعی را نشان میدهد فقط تا سال ۱۹۳۵ تنظیم گردید. در حالی که آمار مربوط بسال های بعد از آن در بعضی اقلام افزایش زیادتری یافته است و من حیث المجموع تمام ارقام خصوصا در دوره زمامداری حزب کارگر ترقی کرده است. رقم بودجه در سال مالی ۵۰-۱۹۴۹ برای تعلیم و تربیت ۵۵۴ میلیون لیره و برای کمک خرج جنسی ۴۵۶ میلیون لیره بر آورد گردید.

از لحاظ منطق سوسیالیستی حزب کارگر هنوز دو مانع بزرگ و دو مزیت غیر



۱۹۳۴-۵	۱۹۳۲-۳	۱۹۳۰-۱	۱۹۲۰-۱	۱۹۱۰-۱	۱۹۰۰-۱	۱۸۹۰-۱	۱۸۸۰-۱	۱۸۷۰-۱	۱۸۶۰-۱	هزینه های لوايح قانونی مربوط به
L 000 ۳۹۲۷۷	L 000 ۳۵۲۹۸	L 000 ۳۵۲۷۰	L 000 ۲۹۷۴۵	L 000 ۲۴۳۵۵	L 000 ۱۹۵۴۶	L 000 ۱۷۴۵۶	L 000 ۱۷۱۰۲	L 000 ۷۲۸۸۷	L 000 ۵۷۷۷۹	نجات فقرا
L 000 ۸۴۲۳۴	L 000 ۸۰۲۷۰	L 000 ۸۲۷۸۳	L 000 ۷۲۷۹۴	L 000 ۶۶۷۶۶	L 000 ۶۲۳۹۰	L 000 ۶۲۸۳۶	L 000 ۳۲۸۳۶	L 000 ۶۲۹	L 000 ۵۲۲	تعلیم و تربیت
۴۵۰	۴۶۳	۴۷۳	۶۶۶	۵۲۵	۳۴۰	-	-	-	-	مدارس حرفه ای و اصلاحی
۳۲۹۴۷	۳۲۳۶۲	۲۲۸۵۲	۱۲۷۱۹	۵۷۱۹۱	۷۹۴	-	-	-	-	مجانین و غیره
۱۴۲۲۶۵	۱۲۲۶۶۵	۹۱۱۳۱	۵۹۳۷۵	۱۹۷۲۱	۱۲۳۷۱	-	-	-	-	بهداشت عمومی
۱۵۲۸۴۵	۱۵۲۳۹۱	۱۳۲۹۸۷	۵۱۵	۸۲۷	۱۲۴	-	-	-	-	ساختمان خانه
۳۷۸۳۴	۳۶۲۰۲	۳۳۲۴۵	۱۸۲۲۶	۶۲۳۰۰	-	-	-	-	-	بازنشستگی پیران
۱۷۲۱۶۲	۱۶۲۲۸۶	۹۲۷۱۸	-	-	-	-	-	-	-	مقرری و بازنشستگی
۵۷۲۰۸۴	۶۷۲۳۸	۳۰۲۶۳۵	۲۲۷۱۲	-	-	-	-	-	-	اهدائی ارفاقی
۵۵۹۷۷	۵۲۳۹۵	۶۲۳۵۶	۱۰۲۴۸۲	-	-	-	-	-	-	بیمه بیکاری
۲۷۲۱۸۶	۲۴۲۸۸۰	۲۴۵۲۴۱	۱۴۴۲۰۴۴	۵۲۲۰۸۰	۲۸۲۰۹۵	۱۶۲۰۶۳	۱۶۲۹۳۲	۸۲۵۱۶	۶۲۳۳۱	بیمه بهداشت ملی
										کل هزینه ها
										تناسب
۴۴۲۵۰۵	۴۴۵۵۹۴	۱۶۷۲۰۴۳	۴۱۲۰۳۲	۳۸۰۷۴	۲۶۲۹۷۲	۱۶۲۰۶۳	۹۲۷۶۷	۶۲۳۸۷	۴۲۶۰۵	کل هزینه ها از قراو سطح قیتمهای ۱۸۹۰
۶۵۱۹۱۰	L ۶۲۲۲۲	L ۴۰۳۰۱۱	L ۱۱۱۱۱	L ۱۱۱۱۱	L ۱۶۷	۱۱۱	۷-۶	۱-۵-۷۲	۴۰۶	هزینه هر فرد جمعیت از قراو سطح قیتمها در ۱۸۹۰



قابل دفاع در زمینه تساوی درآمد افراد و فرصت آنان جهت پیشرفت مانند قبل از جنگ وجود دارد که اگرچه بآن شدت و قدرت نیست اما از بین هم نرفته است، تروتسکی که از راه توارث بدست میآید و سیستم تعلیم و تربیت که برای همه یکسان نمیتواند باشد. دولت انگلیس که در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۸ از املاکی بارزش یکصد هزار لیره صدی بیست مالیات میگرفت و اذاملاکی بارزش یک میلیون لیره صدی پنجاه به موجب لایحه ۱۹۴۹ پنجاه درصد از اولی و ۸۰ درصد از دومی مالیات دریافت میکنند و باین وضع مانع اول را تا اندازه ای خنثی مینماید در حالیکه سیستم تعلیم و تربیت هنوز دارای نواقص جدی است..

زائد است که گفته شود هنوز راه درازی در پیش دارند. کنفرانسیه آمارهای اقتصادی دانشگاه آکسفورد مینویسد :

« پیشرفت بطرف تساوی بزرگتر مدتهاست که باید بوقوع بیوندد و تحولات اخیر فقط ماراتا اندازه ای بطرف یک سیستم درآمدهای هم آهنگ و یکسان نزدیک کرده است. »

پایان

منابع این بحث :  
 Facts for Socialism by G.D.H. Cole  
 Equality by R.H. Tawney  
 Socialism, by Norman Mackenzie .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی